

آینه‌دار عالم رنگ

نگاهی به حضور رنگ و آینه در شعر بیدل

حمید خصلتی



پرنیان خیال

تهران ۱۳۹۵

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر: تهران:
مشخصات ظاهری:
فروست:
شابک:
وضعیت فهرست نویسی:
یادداشت:
عنوان دیگر:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
رده بندی کنگره:
رده بندی دیسی:
شماره کتابت اسی

خصلتی، حمید، ۱۳۵۱ -
آیین‌دار عالم رنگ: نگاهی به حضور رنگ و آیین در شعر بیدل / حمید خصلتی.
پرنیان خیال، ۱۳۹۵.
۱۵۰ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
ادبیات سبک هندی: ۴. نقد و بررسی: ۲.
پرنیان خیال: ۱۱.
۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۶۶-۱-۷

فیبا
کتابنامه: ص. ۱۴۹ - ۱۵۰.
نگاهی به حضور رنگ و آیین در شعر بیدل.
بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق، ۱۰۵۴ - ۱۱۳۳ق. - نقد و تفسیر
شعر فارسی - قرن ۱۲ق. - تاریخ و نقد
Persian poetry - 18th century - History and criticism
رنگ در ادبیات
Color in literature
PIR ۶۶۵۵/۱۹ ۱۳۹۵
۸۱/۵
۴۵۰۰۷۶۶



پرنیان خیال

تهران، فلکه دوم صادقیه، خیابان پلاک ۱۹
تلفن: ۴۴۹۵۴۹۸۲ - ۴۱۷۲۳۰۰
www.parneyankheyal.com
Email: moalish@yahoo.com

آیین‌دار عالم رنگ

حمید خصلتی

چاپ اول

۱۰۰۰ نسخه

۱۳۹۵

طرح جلد: حاوی تمثال بیدل اثر استاد ارغوان خاتمی
چاپ: نسیم

حق چاپ محفوظ است
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۶۶-۱-۷
ISBN: 978-600-96366-1-7

شماره کتاب: ۱۱

سخن ناشر

بیدل شاعر رنگ‌ها و نورهاست. به حقیقت باید بیدل را طاووس جلوه‌زار معنا نام نهاد. نام و عنوانی که در آن با کسی شریک نیست. با این حال مواجهه‌ی بیدل با عالم نور و رنگ نیز همچون سایر مضامین، نوعی مواجهه‌ی رندانه است. به گمان من از این حیث بیدل در میان شاعران ادب فارسی بیش از همه با حافظ قابل قیاس است. حافظ و بیدل علاوه بر آن که در آثار خویش زبان به مدح، نند و نندی گشاده‌اند خود نیز در زندگی شخصی و ادبی نوعی رندانگی را پخته‌اند. بیدل که بخش قابل توجهی از زندگی را به طریق مجذوبان زیسته، خود را «رند برهنه پای بیابان بوریا» خوانده است. رندی که «رنگ آسایش» نزد او بهایی ندارد و هاپتون اشک از چشمش افتاده است:

ای خوش آن رند که در خاک خرابات فنا

رنگ آسایش چو آشفته از لعل مستانه ریخت

همچنان که حافظ طریق رند را چون نقشه‌ی راه گنج، از اسراری می‌داند که در اختیار هرکسی نیست و به خوش و بخاطیان توصیه می‌کند که این طریق را غنیمت بدانند، بیدل نیز که کلام حافظ را «هادی خیال» خویش معرفی می‌کند، علاوه بر زندگی عارفانه و مجذوبانه‌اش که سراسر آمیخته با جلوه‌های رندانه است، در آثار ادبی نیز در مواجهه با مضامینی که برمی‌گزیند، طریق رندی پیش می‌گیرد. این مواجهه را که در حافظ مشترک است، می‌توان «رندانگی ادبی» نام نهاد. این دو شاعر یگانه دیوان به راز شگردی ویژه پی برده‌اند که کمتر میان شاعران و هنرمندان معمول است. اما همان همزمان دو شگرد ادبی را در خلق آثارشان پیش بردند که البته یکی از این دو شگرد بر دیگری می‌چربد. همت غایی و نهایی بیشتر شاعران ادبیات فارسی در خلق مضامین و موتیوهای ادبی نو و بی‌سابقه خلاصه می‌شود. دیوان بیدل و حافظ نیز از تلاش برای خلق چنین مضامین تازه‌یی سرشار است. اما آنچه این دو شاعر فعل ادب فارسی را - هر یک در طرز ویژه‌ی خویش - سرآمد دیگران ساخته،

بسامد چنین مضامین نوینی نیست؛ بلکه چینش خلاقانه‌ی این مضامین در چارچوبی از جهان‌بینی عمیقی است که خود واجد مؤلفه‌های فلسفی ناب است. حافظ و بیدل موفق شدند که بر هر مضمونی مهر خویش را بزنند و از آن در جهت بنیان‌گذاری جهان‌بینی خویش بهره ببرند. درباره‌ی حافظ سخن بسیار نتهاند اما در مورد بیدل باید گفت که بسیاری از مضامین شعری او ساخته و پرداخته‌ی شاعران پیش از او نظیر غنی کشمیری، کلیم کاشانی، صائب تبریزی و دیگران بوده اما بیدل با شگردی بیدلانه آنها را چون نگینی خوش‌تراش بر انگشتر شاهان‌ی شعر فاخر خود نشانده است.

کتاب پیش روی شماست تلاش‌های پژوهشگر جوان هم‌روزگارمان دوست شاعرم آقای حمید علی‌زاده است. خصلتی در این کتاب کوشیده است تا جلوه‌های حضور رنگ در شعر بیدل را برآورد و در معرض دید خوانندگان و علاقه‌مندان به شعر بیدل قرار دهد. این کتاب پس از همه نوعی «فرهنگ تحلیلی» در موضوع حضور رنگ در شعر بیدل است.

بیدل جهان طبیعت را توفان رنگ می‌داند همان‌طور که نماد حضور انسان در طبیعت را با کلمه‌ی «دل» معرفی می‌کند. اما نهایت آرزو و مقصد انسان را رسیدن به بی‌رنگی می‌داند همان‌طور که زیاده‌دلی انسان را رسیدن به مقام «بی‌دلی» معرفی می‌کند. دل در شعر بیدل «مال» بدل است و جانشین من عاشق و بی‌تعلق او. با همه‌ی کثرت تجلی رنگ در بیدل و توفان رنگی که در شعرش - به‌عنوان آینه‌یی در برابر جهان - پیاپی خرد مشتاق و سالک طریق بی‌رنگی است.

جهان توفان رنگ و دل همین مشتاق بی‌رنگی

چه سازد جلوه با آیین‌های مشکل‌پسند ما

سعید یوسف نیا در کتاب ارجمند «طاووس جلوه‌زار» که همزمان با کتاب پیش رو توسط انتشارات پرنیان خیال در دست طبع و نشر است، در این باره چنین می‌نویسد:

توفان رنگ، تداعی‌کننده‌ی هیاهو و ازدحام و ابهامی فریبنده است، اما دل شاعر، مشتاق بیرنگی، یعنی سکوت و خاموشی است. هر جلوه‌ای که در آینه‌ی نگاه ما نمودار می‌شود و ما را در افسون خود، مجذوب می‌کند، حاصل توفان رنگ است و اگر پرده‌ی رنگ فرو افتد، دیگر هیچ تصویری در آینه نخواهیم دید و خود را و همه‌چیز را محو و ناپدید خواهیم یافت. بیدل شمعی است که در تصویر می‌سوزد و می‌داند که در تصویر زیستن، گم‌شدن در توفان توهمی است که رنگ‌ها به پا کرده‌اند و تا هنگامی که رنگ این تیریر، محو نشود، بیدل در آتشی موهوم خواهد سوخت:

شمع تصه بریم، از سوزو گداز ما می‌رس

پرتوئی از رنگ با باقی است با ما آتش است! طاووس جلوه زار/ ص ۷۸

باری، سحر در آینه بسیار است و این مجال را طاقت آن نیست. تنها اضافه می‌کنم که بیدل در شعر بخش‌ها گاه به جای بکار بردن رنگ از جایگزین‌های آن بهره می‌برد که نویسنده‌ی محترم کتاب «آینه‌دار عالم رنگ» بخش عمده‌ی از کتاب را به این شگرد رندانی بخش اختصاص داده است. در این بخش خواننده با مفاهیم و کلمات آشنایی مواجه می‌شود که به طریقی ناآشنا و نو جایگزین رنگ‌ها شده و نقشی محوری در اندیشه و شعر بیدل ایفا می‌کنند. شک نیست که بسیاری از فصل‌های این کتاب، بخصوص فصل در حضور آینه در شعر بیدل، می‌توانست با توضیحات بیشتری همراه باشد. این کار هم در توان نویسنده‌ی محترم بود و هم بدان راغب بودند. اما خواننده‌ی محتاج می‌تواند این کتاب را به عنوان درآمدی بر جایگاه رنگ و آینه در شعر بیدل تلقی کند و شرح فصول آن را انشاءالله در آثار آینده‌ی نویسنده پی‌جو باشد. سخن را با بیت دیگر از بیدل به پایان می‌برم که فرموده است:

نه گلشن را ز ما رنگی، نه صحرا را ز ما گردی

به هر جا می‌برد شوق تو بی ما می‌برد ما را

انتشارات پرنیان خیال مفتخر است که در راستای تلاش در جهت نشر پژوهش‌های ادبی در زمینه‌ی شعر سبک هندی و بخصوص حوزه‌های شناخت شاعران بلندپایه‌ی این سبک نظیر صائب و بیدل و دیگران، کتاب «آینه‌دار عالم رنگ» را به دوستداران شعر و ادب فارسی تقدیم کند. به امید آن‌که این کتاب آغازی بر پژوهش‌های گسترده‌تر نویسنده‌ی گرامر، ان، شاعر و پژوهشگر معاصر جناب آقای حمید خصلتی در حوزه‌ی بررسی پژوهی باشد.

آذر ۱۳۹۵

دکتر محمدعلی شیوا

[طرح جلد آثار صائب پژوهی و بیدل شناسی منتشره از سوی انتشارات پرنیان خیال، مزین به تمثال‌های صائب و نیز بیدل دهلوی اثر خیال و قلم نقاشی استاد ارغوان خاتمی هنرمند و نقاش معاصر است که بی هیچ چشمداشت مادی به علاقه‌مندان شعر و ادب فارسی ایران و جهان پیشکش کرده‌اند. بی‌گمان انتشارات پرنیان خیال قدر دان محبت بی‌دریغ ایشان هست و خواهد بود.]

فهرست مطالب

۷

یادداشت مؤلف

۹ بخش اول - رنگ و حضور آن در قرآن کریم و شعر فارسی

۹ فصل نخست: رنگ و زیبایی رنگ

درباره‌ی رنگ ۱۹ تنقید رنگ ۱۰ / دسته‌بندی رنگ‌ها ۱۲ / رنگ و دما ۱۴ / رنگ

و وزن ۱۵ / رنگ و تأثیرات فیزیولوژیک آن بر بدن ۱۵

۱۶ فصل دوم - رنگ در قرآن کریم

رنگ‌های نام‌برده شده در قرآن ۱۱ / نعمت‌های الهی ۲۰

۲۹ فصل سوم: رنگ در شعر فارسی

۲۹ بخش دوم - رنگ در شعر بیدل

۳۱ فصل نخست: ویژگی رنگ‌ها و جایگاه آن در شعر بیدل

رنگ سیاه ۳۱ / رنگ سفید ۳۴ / رنگ آبی ۳۵ / رنگ زرد ۳۶ / رنگ قرمز ۳۹

خاکستری ۴۱ / رنگ سبز ۴۲ / حنایی ۴۲ / رنگ بنفش ۴۳ / رنگ جی ۴۴

۴۵ بخش دوم - فصل دوم: جایگزین‌های رنگ در شعر بیدل

آب، آینه‌ای از رنگ‌های گوناگون ۴۵ / انفعال ویژگی دیگر رنگ آبی ۴۶ / سحر

پیام‌آور روشنی ۴۶ / سحر و فنا ۴۸ / سحر و شب ۴۸ / مزگان جایگزینی برای

رنگ، یا نور چشمی بیدل ۴۹ / نور و ظلمت ۵۰ / سواد آشنایی ناگزیر در وادی

روشنایی ۵۱ / شب، آینه‌دار روشنایی ۵۳ / ظلمت عقل و نور حقیقت ۵۴ / روز،

جایگزینی فراتر از روشنایی ۵۴ / سایه در شعر بیدل ۵۵ / روشنی ۵۶ / نمک
 و رنگ سفید ۵۶ / شیر جایگزینی مناسب برای سفید ۵۷ / خاکستر به جای
 رنگ خاکستری ۵۷ / گرد رنگ ۵۸ / سرو و شمشاد ۵۹ / صبح و ناپایداری
 رنگ آن ۵۹ / خون و رنگ سرخ ۶۱ / شام و رنگ سیاه ۶۳ / لب، لعل و رنگ
 قرمز ۶۳ / آسمان و بی ثباتی ۶۴ / شفق، یارنگی به گونه‌ی حنا ۶۵ / موج، دریا و
 حرکت مدام ۶۵ / شعله، تحرک، شور و شوق ۶۵ / حنا و رنگ حنایی ۶۶ / رنگ
 سفید احرام ۶۷ / رنگ قرمز و شمع ۶۸ / گلزار و گلستان ۶۹ / بهار و رنگ سبز
 ۶۹ / بنم و رنگ ناپایدار ۷۲ / غنچه و گل ۷۴ / ریحان و رنگ سبز ۷۴ / باغ،
 مجموعه‌ای از رنگ‌ها ۷۴ / سنبل و رنگ بنفش ۷۵ / سرمه یا توتیا ۷۶ / کفن و
 رنگ شاد ۷۷ / نش، مجموعه‌ای از رنگ‌ها ۷۷ / طاووس و رنگ‌های فریبنده
 ۷۸ / حیرت‌رانش ۸۰ / خورشید سرشار از نور و رنگ ۸۰ / نار، جایگزینی
 برای رنگ‌های گرم ۸۰ / حمر به جای رنگ سبز ۸۰ / خضاب و زال نماد جوانی
 و پیری ۸۱ / کاه و رنگ ۸۱ / سبب و رنگ نقره‌ای ۸۲ / می سرخ گون
 ۸۲ / مو جایگزینی برای سیاه ۸۱ / یکبار، زنگی و سیاه ۸۳ / خزان و رنگ‌های
 بی‌شمار ۸۳ / رنگ دل ۸۴ / داغ جایگزین رنگ‌های گرم ۸۵ / سایه و آفتاب ۸۶
 / خجلت و سفیدی ۸۷ / مخمل و دیبا، رنگ‌های فاخر ۸۷ / زعفران سرشار از
 رنگ طراوت ۸۷ / سنگ‌ها و فلزات قیمتی ۸۸ / نام‌ها و درختان، جانشینی
 برای رنگ ۸۹

شکست رنگ ۹۳ / ریختن رنگ ۹۵ / رنگ رفته ۹۶ / برای رنگ ۹۶ / رنگ
 شکست دل ۹۷ / رنگ ثبات ۹۷ / گداخت رنگ ۹۸ / شرم رنگ ۹۸ / رنگ
 تصویر ۹۹ / رنگ اشک ۹۹ / رنگ حنا ۱۰۰ / رنگ اعتبار ۱۰۰ / رنگ اسرار بهار
 ۱۰۱ / رنگ شوخ ۱۰۱ / رنگ آب ۱۰۲ / رنگ خنده ۱۰۲ / رنگ تقریر ۱۰۲ /
 رنگ عیش ۱۰۳ / رنگ خون ۱۰۳ / رنگ دلدار ۱۰۳ / رنگ موی چینی ۱۰۳ /
 رنگ پرتو خورشید ۱۰۴ / عالم رنگ ۱۰۴ / غرور رنگ ۱۰۴ / طایر رنگ ۱۰۵
 / رنگ آثار ۱۰۵ / گردش رنگ ۱۰۵ / رنگ سحر ۱۰۶ / نقاب رنگ ۱۰۶ / رنگ
 نقاب ۱۰۶ / رنگ فطرت ۱۰۷ / سیل رنگ ۱۰۷ / بی‌رنگی ۱۰۷ / رنگ باختن

۱۰۸ / رفتن رنگ ۱۰۹ / رنگ بهار ۱۰۹ / رنگ تماشا ۱۱۰ / پیرهن رنگ ۱۱۰
 / رنگ برنداشتن ۱۱۱ / رنگ تغافل ۱۱۱ / الفت رنگ ۱۱۱ / رنگ اثر ۱۱۱
 صدرنگ ۱۱۲ / چندین رنگ ۱۱۲

بخش سوم: آینه در شعر بیدل

۱۱۳

حیرت و آینه ۱۱۶ / آینه و سکوت ۱۱۸ / آینه خطوطی ۱۱۹ / آینه‌ی آبی
 ۱۲۰ / آینه و نمد ۱۲۰ / آینه و خاکستر ۱۲۱ / آینه و عکس ۱۲۱ / آینه
 / امثال ۱۲۲ / آینه و صافی ۱۲۴ / آینه و آب ۱۲۵ / آینه، سیماب، جوهر
 ۱۲۶ / آینه و چشم همیشه باز ۱۲۷ / آینه‌ی امتحان ۱۲۸ / خانه‌ی آینه ۱۲۸
 / آینه‌ی دریا ۱۲۹ / آینه و خانه به دوشی ۱۲۹ / آینه و بی‌رنگی ۱۳۰ / آینه
 و عدم ۱۳۱ / آینه و نفس ۱۳۱ / ناپایداری زندگی چون نفس بر آینه ۱۳۴
 / آینه و زنگار ۱۳۵ / آینه و تعلق ۱۳۶ / آینه و آگاهی ۱۳۷ / آینه و راز ۱۳۸
 / آینه و آینده ۱۳۸ / آینه و جمال پرستی ۱۳۹ / آینه و تنبه و بیداری ۱۳۹
 / آینه‌ی کثرت، آینه‌ی وحدت ۱۴۰ / آینه‌ی آفتاب ۱۴۱ / آینه‌ی خیال ۱۴۱
 آینه‌ی دل ۱۴۲ / بیدل در آینه است ۱۴۵

۱۴۸

کتابنامه

یادداشت مؤلف

زین باغ تا ستم کش نشو و نما شدم
خون گشتم آن قدر که به رنگ آشنا شدم
پیغام بوی گل به دماغم نمی‌رسد
آئینه دار عالم رنگ از کجا شدم؟

شعر مولانا عبدالقادر بیدل دهلوی، از قله‌های رفیع اسلوب هندی است که هر چند در ایران به اندازه‌ای که باید و شاید شناخته نشده، اما در دهه‌های اخیر موافقان ادب دوستان قرار گرفته است. دامنه‌ی تحقیق و پژوهش به دلیل ناشناخته بودن این شاعر بزرگ برای نسل امروز بسیار گسترده است. شعر بیدل آن زیبایی است که کم نواخته شده است و به گفته‌ی خود او این نوا شنیدنی است.

مباش غافل از آنکه از شعر بیدل ما
شنیدنی است نوایی نه که راخته‌اند

کسانی که به سرزمین شعر و شعر بیدل قدم گذاشته‌اند بعد از حشرونشر با او بی‌شک به این نتیجه رسیده‌اند که جهان او خاکی دامن‌گیر دارد. اندکی تأمل و توقف در جغرافیای سرانگیز شعر بیدل کافی است تا دلی که ساکن کوی او شده از شوخی پرواز بازماند و در حلقه‌ی دام او آشیان کند. در این دیباجه قصد درازگویی ندارم نه در مورد بیدل و زندگی‌نامه‌اش که در کتاب‌های بسیاری از آن سخن رفته است و نه درباره ویژگی‌های شعرش که خود را در این مقام نمی‌بینم و هنوز چندانی از آن را ندارم، اما آنچه از موضوعات قابل بحث در شعر بیدل که توجه این نقاش را جلب کرد، «رنگ و آئینه در شعر بیدل» بود که بعد از مطالعه و بررسی اشعار به دنیایی فراتر از آنچه فکر می‌کردم رسیدم. اشراف کامل بیدل به رنگ، ما را به ساحتی رهنمون می‌کند که گویی با یک نقاش شاعر روبرو هستیم و نگاه وحدت وجودی شاعر به جهان، انعکاسی از نور و رنگ در اشعارش ایجاد می‌کند. همچنین واژه‌ی آئینه به عنوان نمادی از جهان در سرتاسر

شعرش جاری می‌شود. گویی شاعر، جهان و هر چه را در آن است آینه‌ی جمال یار می‌بیند و در شعرش به مخاطب منتقل می‌کند. مضمون‌های بکر و تصاویر خارق‌العاده، فضایی سورئالیستی ایجاد می‌کند و ما را به این ایده نزدیک می‌کند که سنگ بنای شیوه‌ی فراواقعیت (سورئالیسم) سال‌ها قبل از معرفی این سبک بنانهاده شده است. پس از هم‌نشینی با شعر ابوالمعانی بیدل دهایی، جای خالی پژوهش‌های زیادی در شناساندن این شاعر بزرگ حس می‌شود که بررسی نمادهایی چون آینه و تعبیری مانند رنگ تنها جرعه‌ای بس که چک از آیینوس بزرگ شعر بیدل است. سیاه‌مشق پیش رو شاید شرح حلاوت را به بهترین فری باشد که به شوق پرواز در حریم قاف آشیان شعر بیدل آغاز شد و هر چه از آغاز راه فاصله می‌گرفت به این حلاوت افزوده می‌شد و درعین حال، سازندگی حیرانی و سرگشتگی خاصی گرفتار می‌آمد که شاید ویژه‌ی شعر بیدل باشد. سرشاری شعر متفاوت ابوالمعانی از صورت و معنا، از مضمون و محتوا و گوناگونی تصاویر دلربا، تو را با ساحتی از شعر آشنا می‌کند که تاکنون تجربه نکرده‌ای. ورود به محدوده‌ی ظاهراً و هم‌انگیز شعر بیدل حتی مقدمه را تحت تأثیر خود تراش می‌دهد و می‌مائی که چگونه از شاعری سخن آغاز کنی که به ادعای بسیاری از صاحب‌نظران، شعرش دشواریاب و دارای معانی ژرف و چندلایه است.

شاید هرکسی در ابتدا با منتقدان شعر بیدل هم‌نوا شده باشد چه آنکه در شعر او گاهی آن‌چنان تشبیه‌ها ظریف و دارای لایه‌های کم‌رنگی است که سادگوست که باید با دقت نظر و موشکافی بسیار، شباهتی اندک‌بین مشق و مشبه‌به پیدا کنی و نیز گاهی آن‌قدر شاعر در خلق مضامین جدید غرق می‌شود که مخاطب را از رسیدن به معنا دور می‌کند. اگرچه او در تکرار تصاویر و خلق نماهای سینمایی، حتی از شعر فراتر می‌رود اما تکرار بیش‌ازاندازه‌ی تصاویر گوناگون، خود باعث دشوارفهمی شعر بیدل شده است و این موضوع کار را برای مخاطب سخت می‌کند و همچنین برای کسی که به‌قصد پژوهش به

شعر ابوالمعانی روی آورده است، ایجاد مشکل می‌کند.

بیدل اگرچه از قله‌های اسلوب هندی به شمار می‌آید ولی در میان مخاطبان ایرانی چندان آشنا نیست و آن‌گونه که باید، به او و شعرش پرداخته نشده است؛ اما او در میان فارسی‌زبانان همسایه چون افغانستان و هند مقام حافظ در ایران را دارد و کمتر کسی است که شعر بیدل را نخوانده باشد.

بیدل در ایران با کوشش‌های بزرگانی چون استاد محمد قهرمان و دکتر شفیع کدکنی معرفی شد؛ در میان پژوهشگران نسل بعد، کسانی چون سید حسن حسینی، یوسفعلی میر شکاک، علی معلم دامغانی، محمد کاظم کاظمی، عبدالغفور آرزو، علیرضا قزوه و سید مهدی طباطبایی پای در حلقه‌ی دوست داران بیدل گذاشته و در شناساندن او نقش بسزایی داشته‌اند؛ در افغانستان و هند نیز کسانی چون پروفیسور نبی هادی، صلاح‌الدین سلجوقی و دکتر اسدالله حباب‌سیبی دیگر، در باز کردن صندوقچه‌ی اسرار بیدل حقیقتاً کوشیده‌اند.

اما در مورد این نوشتار نه‌تنها کوتاهی به رنگ و آیین در شعر بیدل خواهد داشت توضیحاتی چند لازم می‌رسد. در مورد اشعار منتخب و مورد استفاده در متن که از نسخه‌ی رضا رام‌پور به کوشش علی‌رضا قزوه انتخاب شده‌اند به شماره‌ی صفحه اکتفا نموده‌ام. صورت (ص...) آورده‌ام. البته بعضی از ابیات را که از نسخه‌ی بهداروند آورده‌ام به صورت (بهداروند، ص) ارجاع داده‌ام برای بقیه‌ی ارجاعات هم از شیوه‌ی درج‌متنی استفاده کرده‌ام. به‌طور مثال (کاظمی، ۱۳۸۸: ۸۶)؛ که اشاره به نام نویسنده، تاریخ چاپ و شماره‌ی صفحه داشته است.

در پایان هم لازم می‌دانم از تمام کسانی که در این مسیر یاری و همفکری‌شان برخوردار بوده‌ام تشکر و قدردانی نمایم. اختصاصاً از استادان گرانقدر آقایان دکتر عباس خیرآبادی، دکتر احمد محسنی و همچنین دوست گرانمایه و شاعر نام‌آشنا جناب محمدکاظم کاظمی و دوست

فرهیخته و شاعر، صاحب امتیاز انتشارات پرنیان خیال، ناشر تخصصی شعر و ادبیات سبک هندی، جناب دکتر محمدعلی شیخ‌الاسلامی (شیوا) نهایت سپاسگزاری را دارم.

حمید خصلتی

پنجم آذرماه هزار و سیصد و نودوپنج

www.ketab.ir